

حل بحران‌ها در گرو حقوق اساسی ملت



کامبیزنوروزی

حقوق‌دان

بحران‌های متعدد گریبان کشور را گرفته و سایه شوم جنگ و آتار آن که از بی‌تجاوز نظامی آمریکا و اسرائیل بر کشور افتاده، به تشدید بحران‌ها انجامیده است. بنزین، برق و آب به اندازه نیاز کشور نبوده و امکان تأمین کمبود آنها فعلا میسر نیست. نرخ برابری ارز افسارگسیخته در حال افزایش است. قیمت مایحتاج ضروری همچون مسکن، خوراک، دارو و درمان به جایی رسیده است که بخش بزرگی از جمعیت کشور امکان تأمین آنها را ندارند. بحران‌های دیگر نیز هستند که فعلا بماند.

اما به حکم اصل نهم قانون اساسی، هیچ‌یک از اینها نمی‌توانند موجب نقض و تعطیل حقوق اساسی ملت شوند. آقای رئیس‌جمهور و نهاد ریاست‌جمهوری و آقایان وزرا این اصل را از یاد برده‌اند. قانون اساسی همچنان سندی است معتبر که دستگاه‌های حکمرانی مکلف به اجرای آن هستند و معیارهایی بسیار مفید و مهم برای سنجش اعمال نظام حکمرانی در اختیار می‌گذارد. طبق ابتدای اصل نهم، آزادی یکی از ارکان حاکمیت ملی است. در قسمت پایانی این اصل نیز می‌خوانیم: «... هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، آزادی‌های مشروع را هرچند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند». جز یکی، دو اصل قانون اساسی، هیچ اصل دیگری از قانون اساسی نیست که تا این حد روشن و صریح باشد و هیچ‌گونه استثنائی به آن وارد نشده باشد. با این‌همه، نشانی نمی‌بینیم که در اقدامات دولت اعتنایی به نهادهای حقوقی مربوط به آزادی‌های اساسی ملت وجود داشته باشد. از مهم‌ترین این حقوق، حق آزادی بیان است که اصل بیست‌وسوم آن را مقرر داشته و حق آزادی رسانه است که در اصل بیست‌وچهارم قانون اساسی به آن تصریح شده است. وضعیت مطبوعات کشور بحرانی‌ترین شرایط خود در تمام ۴۸ سال گذشته را می‌گذراند.

صداوسیما که طبق اصل صدوهفتادوپنجم قانون اساسی از آن ملت بوده و مکلف به رعایت آزادی بیان است، در انحصار یک جریان فکری-سیاسی خاص بوده و تا آنجا پیش رفته است که به خود اجازه می‌دهد سخنان رئیس‌جمهور و رؤسای دو قوه را هم سانسور کند. رئیس‌جمهور دو نماینده در شورای نظارت بر صداوسیما دارد؛ از هر دو نماینده کمترین اقدامی برای استیفای حقوق ملت در صداوسیما دیده یا گزارش نشده است. دسترسی شهروندان ایرانی به اینترنت همچنان با موانع پرشماری مواجه است. پلتفرم‌های پراستفاده‌ای مانند اینستاگرام، تلگرام و واتساپ همچنان مسدودند و بدون فیلترشکن نمی‌توان به آنها وارد شد. این در حالی است که در حدود ۳۵ سالی که اینترنت به ایران وارد شده و به آرامی گسترش پیدا کرده، به یکی از مهم‌ترین وسایل آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات تبدیل شده است. با این‌همه، تصمیمات غیرقانونی مانع از آن است که مردم به آسودگی بتوانند از این وسیله تمدنی جدید استفاده کنند.

آقای رئیس‌جمهور، رئیس شورای عالی فضای مجازی است. بالطبع انتظار می‌رود ایشان هم در مقام رئیس‌جمهور که برای پاسداری از قانون اساسی سوگند یاد کرده است و هم در مقام رئیس شورای عالی فضای مجازی، مکلف به دفاع از حق دسترسی آزاد به اینترنت باشد؛ اما همچنان فیلترینگ ادامه دارد و هیچ حرف و برنامه‌ای برای استیفای این حق اساسی ملت مطرح نمی‌شود. شاید اجرای فیلترینگ را به ضرورت‌های ناشی از جنگ مرتبط کنند؛ چنین ادعایی نادرست و غیرقانونی است. فیلترینگ از سال‌ها پیش از جنگ اجرا شده است. علاوه بر این، در حال حاضر نیز مخاصمه هست ولی جنگ جریان ندارد. از نظر قانونی نیز فارغ از اینکه شورای عالی فضای مجازی نمی‌تواند در دسترسی ایرانیان به اینترنت محدودیت ایجاد کند، چنانچه محدودیت در دسترسی به اینترنت به استناد وضعیت اضطرار لازم باشد، باید مطابق با اصل هفتادونهم عمل که طبق آن «... در حالت جنگ و شرایط اضطراری نظیر آن، دولت حق دارد با تصویب مجلس شورای اسلامی موقتا محدودیت‌های ضروری را برقرار نماید، ولی مدت آن به هر حال نمی‌تواند بیش از ۳۰ روز باشد و در صورتی که ضرورت همچنان باقی باشد، دولت موظف است مجدداً از مجلس کسب مجوز کند». این اصل هم رعایت نشده است. آقای رئیس‌جمهور و همکارانشان از یاد نبرند که هرچه بحران‌ها بیشتر و عمیق‌تر باشند، همراهی ملتی که حق حاکمیت دارد، برای حل بحران‌ها ضروری‌تر و حیاتی‌تر می‌شود. هرکس که به فکر حل بحران‌هاست، باید بداند که قادر نیست بدون همراهی و حضور واقعی همه ملت از تعهده برآید.

چهارشنبه ۴ شهریور ۱۴۰۵ ۱۳ ربیع‌الاول ۱۴۴۸ ۲۶ آگوست ۲۰۲۶
سال بیست‌وسوم
شماره ۵۴۶۰
۴۰ هزار تومان
۸ صفحه

در «شرق» امروز می‌خوانید:

اصرار تندروها برای امنیتی‌کردن فضای کشور با طرح مقابله با نفوذ بیگانگان

امنیتی‌سازی ارتباط

گزارش تیریک رادر صفحه ۲ بخوانید



روایت «شرق» از اهداف حضور وزیر خارجه عمان در تهران

مأموریت مسقط

یادداشت

عمادالدین باقی در نامه‌ای به کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل درباره پیامدهای تحریم‌ها هشدار داد

مردم، قربانی سیاست فشار آمریکا

نظامی‌گری که ناشی از سیاست‌های دولت ایالات متحده است، درخواست‌ها برای حمایت از حقوق بشر ممکن است آن‌گونه که شایسته است مورد توجه قرار نگیرند. با این حال، انتظار دارم تا آنجا که در چارچوب اختیارات شماسست، برای جامعه جهانی روشن سازید که قربانیان اصلی آنچه ایالات متحده «تحریم‌های کوبنده و بی‌سابقه» می‌نامد، مردم ایران هستند. برخلاف دولت‌ها و نهادهای حکومتی، شهروندان عادی دسترسی ویژه‌ای به ذخایر مالی، مجاری اقتصادی جایگزین یا سایر ابزارهایی که بتوانند خود را با آنها از پیامدهای چنین اقداماتی مصون نگه دارند، ندارند. مقامات ایالات متحده بارها به‌طور آشکار و صریح اعلام کرده‌اند که یکی از اهداف اعمال تحریم‌ها، واردآوردن چنان فشار و رنج شدیدی بر مردم ایران است که آنان برای تحقق هدف سیاسی مورد نظر ایالات متحده، یعنی سرکونی دولت ایران، به خیابان‌ها بیایند.

اگر غیرنظامیان عمدا و به امید آنکه به ابزاری برای تغییر سیاسی بدل شوند، در معرض محرومیت اقتصادی و سختی‌های طاقت‌فرسا قرار

یادداشت

دولت آینده در ایران

آیا حکمرانی ما برای جهان ۱۴۱۵آماده است؟



امیراحمدشیشه‌گر

فرض کنیم صبح یکی از روزهای شهریور ۱۴۱۵ است. ایران ۱۰ سال پیرتر شده، هوش مصنوعی بخش بزرگی از بازار کار را درگرون کرده، آب به یکی از مهم‌ترین متغیرهای اقتصادی کشور تبدیل شده و مناسبات قدرت در خاورمیانه تغییر کرده است. سؤال این نیست که دولت آن روز چه تصمیمی خواهد گرفت؛ سؤال مهم‌تر این است که آیا ساختار دولتی که امروز می‌سازیم، اساسا برای اداره چنین ایرانی طراحی شده است؟ دولت‌ها معمولا با مسائل امروز سنجیده می‌شوند؛ تورم چقدر است؟ رشد اقتصادی چه اندازه بوده؟ کسری بودجه چگونه تأمین می‌شود؟ چند کیلومتر راه ساخته شده؟ برق در تابستان قطع می‌شود یا نه؟ اما آینده‌پژوهی پرسش متفاوتی مطرح می‌کند: مسائلی که دولت ۱۰ سال دیگر باید با آنها روبرو شود، امروز در کجا در حال شکل‌گیری‌اند؟ این تفاوت کوچکی نیست. در یک سوی ماجرا، «حکمرانی واکنشی» قرار دارد؛ حکمرانی‌ای که منتظر می‌ماند بحران ظاهر شود و سپس برای مهار آن منابع بسیج می‌کند. در سوی دیگر، «حکمرانی پیش‌نگر» قرار دارد؛ دولتی که نشانه‌های ضعیف تغییر را شناسایی می‌کند، آینده‌های بدیل را می‌سجد و پیش از آنکه یک روند به بحران تبدیل شود، ظرفیت مواجهه با آن را می‌سازد. سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، آینده‌نگری راهبردی را یکی از ابزارهای دولت‌ها برای شناسایی فرصت‌ها، مخاطرات، اختلالات و تغییراتی می‌داند که ممکن است طی سال‌های آینده ظهور کنند. هدف چنین رویکردی پیش‌بینی قطعی آینده نیست؛ بلکه افزایش توان دولت برای تصمیم‌گیری در شرایط عدم قطعیت است. از این منظر، مسئله اصلی ایران فقط کیفیت تصمیم‌هایی نیست که امروز گرفته می‌شود. پرسش بنیاداتی‌تر این است: آیا نظام تصمیم‌گیری ما اساسا ظرفیت دیدن آینده را دارد؟

پنج نیرویی که دولت ۱۴۱۵ را خواهند ساخت
برای تصور دولت ایران در سال ۱۴۱۵ لازم نیست بدانیم دقیقا چه اتفاقاتی رخ خواهد داد. آینده‌پژوهی چنین ادعایی ندارد. کافی است برخی از نیروهای تغییر را که از همین امروز قابل مشاهده‌اند، شناسایی کنیم.

– ایران پیرتر خواهد بود

یکی از قابل پیش‌بینی‌ترین تغییرات آینده ایران، تغییر ساختار جمعیت است. کاهش باروری و افزایش امید به زندگی، ایران را با سرعت به سمت جامعه‌ای سالمندتر سوق می‌دهد. صندوق جمعیت سازمان ملل متحد می‌گوید ایران یکی از سریع‌ترین روندهای سالمندی جمعیت را تجربه می‌کند و برآورد کرده است که تا سال ۲۰۵۰ حدود ۲۷.۹ درصد جمعیت کشور بالای ۶۰ سال خواهند بود. این فقط یک مسئله جمعیتی نیست. سالمندی یعنی تغییر در بازار کار، صندوق‌های بازنشستگی،



گفت‌وگوی «شرق» با فریدون مجلسی، دیپلمات پیشین درباره مؤلفه‌های دور دوم ریاست‌جمهوری ترامپ

ترامپ و میراث تاریخی آمریکا

۴

برگزیده‌ها

گزارش «شرق» از جزئیات جدید طرح تغذیه وزارت علوم در آستانه بازگشایی دانشگاه‌ها

شوک پاییزی به سلف دانشگاه‌ها

۵

فعالان اقتصادی تشدید تحریم‌های ایران و عملیات طرد اقتصادی آمریکا علیه کشور را بررسی می‌کنند

جنگ اقتصادی با تهران

۳

فردین علی‌خواه جامعه‌شناس درباره انسان و هوش مصنوعی می‌گوید

تخیل مستعمره هوش مصنوعی می‌شود؟

۸

از ۲۰۰ هزار واحد تا در دست گرفتن بازار مسکن

وعده دقیقه ۹۰ آقای شهردار

۷

زن یک «موضوع» نیست یک اعتبار ملی است

یادداشتی از محمدرضا رستمی

۶

هدیه‌ای از جنس نقد

وزارتخانه‌ها را برون‌سپاری نکنید



سیده‌محمدعلی‌ابطحی

عباس صالحی، وزیر چند دوره فرهنگ و ارشاد اسلامی است. این‌قدر مرد خوبی است که در کابینه خیلی‌های دیگر هم می‌تواند وزیر ارشاد باشد. دوست قدیمی و همشهری است. اما با دوستان شاید بشود صریح‌تر حرف زد. خوبی ایشان این است که هنرش در نگه‌داشتن وضع موجود است. پیشرفت، موفقیتی، نوآوری‌ای در کارش نیست. یک مورد در اول این دوره، معاون هنری‌ای پیدا کرده بود که کمی برای هنر و جنگ و پیوندشان با مردم تلاش کرد. معجزه‌ای به وقوع پیوست و فقط همان مورد را به خواسته نمایندگان مجلس تغییر دادند. فرهنگ و هنر نیاز به نوآوری دارد. مشکل اصلی فعلی وزارت ارشاد، برون‌سپاری مسائل است. دستگاه‌های بیرون از وزارتخانه، قوی‌تر از وزیر و وزارت بر کارهای تأثیر دارند و وزارت ارشاد به‌جای آنکه پشتوانه اهالی فرهنگ و هنر باشد، منفعلانه‌ترین روش را در این مسائل دارد. البته این کار سابقه طولانی‌تری از وزارت صالحی دارد. خیلی از وزرا مثل دوران ایشان، هنرمند و نویسنده را در برابر این دخالت‌های بیرونی رها می‌کردند.

من خودم یک سال است کتاب «از خانه تا دفتر رئیس‌جمهور» را به ارشاد داده‌ام. ارشاد مجوز داد، اما بعدا توسط نهادهای بیرون از ارشاد توقیف شد. من بارها برای پیگیری مراجعه کرده‌ام، ولی معاون مربوطه با لیخند ملیح از کنارش گذشته. می‌ترسد از حقوق مؤلفین دفاع کند. من دستم به اینجا و آنجا رسید و هنوز موفق نشده‌ام. تازه صالحی وزیری است که رئیس‌جمهور گفت آقا تلفن زده‌اند و فرموده‌اند که این پست را قبول کند. جقدر مخاطبان ارشاد به این پشتوانه قدرتمند دل‌خوش شدند. حیف از این امکان استفاده نکرد.

ادامه‌در صفحه ۵
